

مقایسه ابرازگری هیجان، سیستم‌های بازداری / فعال‌ساز رفتاری (BIS/ BAS) و

عدم تحمل بلا تکلیفی در نوجوانان بزهکار و عادی

Comparison of emotion expression, inhibitory / behavioral activation systems (BIS / BAS) and intolerance of uncertainty in delinquent and normal adolescents

Dr. Nasser Sobhi Qaramaleki

Associate Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Mozhgan Abbasi*

PhD student, General Psychology, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.

Moijanabbasi.a@gmail.com

Fatemeh Mahnaz Mashayekh

M.Sc., Psychometrics, Islamic Azad University, Tehran Center Branch, Tehran, Iran.

Vahid Bourbour

M.Sc., Clinical Psychology, Islamic Azad University, Tehran Branch of Medical Sciences, Tehran, Iran.

دکتر ناصر صبحی قراملکی

دانشیار، روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مژگان عباسی (نویسنده مسئول)

دانشجو دکتری، روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.

فاطمه مهناز مشایخ

کارشناسی ارشد، روانسنجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

وحید بوربور

کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

Abstract

Juvenile delinquency is a growing social phenomenon that occurs in various forms in society. Therefore, paying attention to this phenomenon is of great importance. In this regard, the aim of the present study was to compare emotion expression, inhibitory / behavioral activation systems and intolerance of uncertainty in delinquent and normal adolescents in Tehran. This study was comparative and the statistical population of the study included adolescents in Tehran. Sampling in this study was targeted and 60 people (30 juvenile delinquents and 30 normal adolescents) were selected by this method. Data using emotional expression questionnaire (King and Emons, 1990), Behavioral / Activating Systems Activation Scale (BIS / BAS) (Carver and White, 1994) and Uncertainty Uncertainty Scale (Friston et al., 1994). , Was collected. The data were analyzed using multivariate analysis of variance. The results of this study showed that the expression of excitement, inhibitory / activating behavioral systems and intolerance is indistinguishable between delinquent and normal adolescents ($P < 0.05$). These findings suggest that emotion expression, inhibitory / behavioral activation systems, and intolerance are uncertainties influencing juvenile delinquency. Accordingly, psychological training can be used to moderate personality traits as well as juvenile delinquency.

Keywords: Expression of emotion, delinquency, inhibitory systems / behavioral activator (BIS / BAS), adolescents

چکیده

بزهکاری نوجوانان یک پدیده اجتماعی در حال گسترش است که به شکل‌های مختلف در جامعه رخ می‌دهد. بنابراین توجه به این پدیده از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در این راستا هدف پژوهش حاضر مقایسه ابرازگری هیجان، سیستم‌های بازداری / فعال‌ساز رفتاری و عدم تحمل بلا تکلیفی در نوجوانان بزهکار و عادی شهر تهران بود. این مطالعه از نوع علی‌مقایسه‌ای بود و جامعه آماری پژوهش شامل نوجوانان شهر تهران بودند. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدفمند بود و با این روش ۶۰ نفر (۳۰ نفر نوجوان بزهکار و ۳۰ نفر نوجوان عادی) انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه ابرازگری هیجانی (کینگ و امونز، ۱۹۹۰)، مقیاس سیستم‌های بازداری / فعال‌ساز رفتاری (BIS/ BAS) (کارور و وایت، ۱۹۹۴) و مقیاس عدم تحمل بلا تکلیفی (فریستون و همکاران، ۱۹۹۴)، جمع‌آوری شد. اطلاعات به دست آمده با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره تجزیه و تحلیل شد. نتایج این بررسی نشان داد ابرازگری هیجان، سیستم‌های بازداری / فعال‌ساز رفتاری و عدم تحمل بلا تکلیفی در نوجوانان بزهکار و عادی متفاوت است ($P < 0.05$). این یافته‌ها بیان می‌کند که ابرازگری هیجان، سیستم‌های بازداری / فعال‌ساز رفتاری و عدم تحمل بلا تکلیفی از متغیرهای تاثیرگذار بر بزهکاری نوجوانان است. بر این اساس آموزش‌های روانشناختی می‌تواند در جهت تعدیل ویژگی‌های شخصیتی و همچنین بزهکاری نوجوانان استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: ابرازگری هیجان، بزهکار، سیستم‌های بازداری / فعال‌ساز رفتاری (BIS/ BAS)، نوجوان.

مقدمه

نوجوانی دوره‌ای است که بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها همانند بزرگسالان است، اما باید متذکر شد که هنوز تصمیم نوجوانان ناپایدار است و در برخی موارد ممکن است به رفتارهای ناکارآمد و حتی خطرناک منتهی شود (لونا، پادمانابان و هرن، ۲۰۱۰). آسیب‌پذیری‌های غیراجتنابی در این دوره تحولی وجود دارد که ممکن است به مشکلات رفتاری همچون بزهکاری^۲ یا اختلال‌های روانی منتهی شود (اسونسی، تاکار، ماکمیلان، لونا و مینشه، ۲۰۰۴؛ لونا و اسونسی، ۲۰۰۴). بزهکاری یک پدیده اجتماعی است که باید ذیل آسیب‌های اجتماعی که در محیط‌های اجتماعی مختلف به شکل‌های متفاوتی دیده می‌شود (امیری و موسی‌زاده، ۱۳۹۴). بزهکاری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «رفتار انحرافی نوجوانانی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند بزهکاری نامیده می‌شود و به نوجوانی که مرتکب این رفتارها شود بزهکار می‌گویند» (امیری و موسی‌زاده، ۱۳۹۴).

این احتمال وجود دارد، افراد بزهکار در واقع در جستجوی تحریک هستند تا برانگیختگی را تا سطح بهینه افزایش دهند (والاس و نیومن^۴، ۲۰۰۶). به همین دلیل می‌توان گفت افراد بزهکار در زمینه ابرازگری هیجان^۵، سیستم‌های بازداری/ فعال‌ساز رفتاری^۶ (BIS/ BAS) و عدم تحمل بلا تکلیفی^۷ متفاوت از دیگران عمل می‌کنند (کامرانی فکور، ۱۳۸۲؛ واکر، لاهی، روسو و فریک^۸، ۱۹۹۱؛ نیومن، مکن، وان و سده^۹، ۲۰۰۵).

در تعریفی از هیجان می‌توان گفت، هیجان پدیده‌ای چند جزئی است که از مجموعه فرآیندهای روانی هماهنگ عاطفی، شناختی، فیزیولوژیکی، انگیزشی و بیانی تشکیل می‌شود (کان، بالاسز، کاپیتانی و یوربان^{۱۰}، ۲۰۱۰). ابرازگری هیجان به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی هیجان به نمایش بیرونی هیجان بدون توجه به ارزش مثبت یا منفی یا شیوه تجلی آن (چهره‌ای، کلامی، بدنی یا رفتاری)، اطلاق می‌شود (شاهقلیان، مرادی و کافی، ۱۳۸۶؛ کرینگ و گوردون^{۱۱}، ۱۹۹۸). کرینگ و امونز^{۱۲} (۱۹۹۰)، سه بعد اساسی در ابرازگری هیجانی مطرح کرده‌اند که این سه بعد شامل ابراز هیجان مثبت^{۱۳}، ابراز هیجان منفی^{۱۴} و ابراز صمیمیت^{۱۵} است. وقتی هیجان‌ها به سبک غلطی ابراز شوند، در بافتی نامناسب رخ دهند، خیلی شدید باشند و زیاد به طول بینجامند مشکل‌آفرین و آسیب‌زا می‌شوند (ورنر و کروس^{۱۶}، ۲۰۱۰). همانگونه که در پژوهش انجام شده توسط حسنی و شاهقلیان (۱۳۹۳)، بیان شده است دختران عادی نسبت به دختران فراری از منزل و مدرسه ابراز هیجان بیشتری را در مواقع مناسب دارند این افراد در موقعیت پیش‌آمده از ابراز هیجان مثبت و منفی استفاده می‌کنند و در هر سه مؤلفه ابراز هیجان مثبت، ابراز صمیمیت و ابراز هیجان منفی سبک ابرازگری هیجانی، دختران بهنجار در مقایسه با دختران فراری نمرات بالاتری کسب کردند.

تغییرات تحولی در کنترل شناختی اخیراً به عنوان یکی از حوزه‌های آسیب‌شناسی دوران نوجوانی مورد توجه قرار گرفته است (واندن ویلدنبرگ و واندرمولن^{۱۷}، ۲۰۰۴). اختلالات روانی مانند فزون‌کنشی (پنادز، کاتالان، روبیا، آندرس، سالامرو و گاستو^{۱۸}، ۲۰۰۵) و سوء مصرف مواد (مونترسو، آرون، کوردوا، ایکسو و لاندن^{۱۹}، ۲۰۰۵) به عنوان یکی از تغییرات تحولی در حوزه شناختی مطرح هستند. کنش‌های

¹ Luna, Padmanabhan & O'Hearn

² Sweeney

³ Sweeney, Takarae, Macmillan, Luna & Minshew

⁴ Wallace & Newman

⁵ Expressing excitement

⁶ Behavioral inhibitory/ activating systems

⁷ Intolerance of uncertainty

⁸ Walker, Lahey, Russo & Frick

⁹ Newman, MacCoon, Vaughn & Sadeh

¹⁰ Kun, Balazs, Kapitany, Urban & Demetrovics

¹¹ Krings & Gordon

¹² King & Emmons

¹³ Expressing positive emotion

¹⁴ Express negative emotion

¹⁵ Express your sincerity

¹⁶ Werner & Gross

¹⁷ Van den Wildenberg WPM, van der Molen

¹⁸ Penades, Catalan, Rubia, Andres, Salamero & Gasto

¹⁹ Monterosso, Aron, Cordova, Xu & London

اجرائی به کنش‌های شناختی و خودنظم‌جویی عالی مغز اشاره دارد که موجب هماهنگی اعمال و رفتار می‌شود (کارلسون^۱، ۲۰۰۵). برخی کنش‌ها عبارتند از کنترل بازداری و فعال‌سازی و سازماندهی رفتاری (موراسچ و آبل^۲، ۲۰۱۰). گری^۳ با مطالعه دستگاه‌های مغزی درگیر انواع رفتار و تجربه‌های ذهنی-هیجانی بیان کرد که هیجان‌ها از طریق بخش‌های مختلفی از مغز تنظیم می‌شود (گری و مکناتن^۴، ۲۰۰۰). گری دستگاه درگیر در انواع هیجان‌های مثبت را دستگاه گرایش و دستگاه درگیر در اضطراب را دستگاه بازداری رفتاری یا توقف نامیده است (هان، درسلا، آن کریستین، میکایل و پلیچتا و همکاران^۵، ۲۰۰۹). گری در نظریه حساسیت نسبت به تقویت^۶ سه سیستم مغزی رفتاری به نام‌های سیستم بازداری رفتاری (BIS)، سیستم فعال‌ساز رفتاری (BAS) و رفتار جستجوی پاداش^۷ را مطرح می‌کند که، احساس غرور و امید به پاداش به رغم خطر یا تهدید موجود متشکل از دو مؤلفه روی‌آوری و اجتناب فعال است که این سیستم وظیفه حل تعارض را به عهده دارد (کارل، همینگوی، باور، آمن، هوتون و دورکین^۸، ۲۰۰۶). میزان و غلبه این سیستم‌ها در افراد مختلف متفاوت است (گری و مکناتن، ۲۰۰۰). به نظر می‌رسد فرد بزهکار در اجتناب از برخی رفتارها و صرف‌نظر کردن از لذت‌ها (فقدان بازداری رفتاری) ناتوان است (بک، اسمیت، کلاز، واندریچن و بیجتبر^۹، ۲۰۰۹). گری معتقد است؛ افراد با نشانه‌های رفتار ضداجتماعی افرادی هستند با دستگاه‌های فعال‌ساز بسیار واکنشی، نظام فعال‌ساز رفتاری به جای توجه و حساسیت به تنبیه، به پاداش‌های ناشی از رفتار و محیط حساس است و بنابراین، ممکن است در بسیاری از شرایط توجه چندانی به تنبیه‌های موجود نشود و صرفاً برای دستیابی به نتایجی که برای فرد پاداش دهنده هستند، عمل نماید (ویلسون، بارت و گری^{۱۰}، ۱۹۸۹). افراد بزهکار سطح بازداری رفتاری پایینی دارند به همین دلیل تمایل به انجام واکنش‌های رفتاری بازداری نشده دارند و به صورت هیجان‌طلبانه واکنش نشان می‌دهند (کویچمنز، اسکرز و اوسترلان^{۱۱}، ۲۰۰۰). شخصیت‌های ضداجتماعی از جمله دختران فراری، یا نظام بازداری ضعیفی دارند و یا بیش واکنشی نظام فعال‌ساز رفتاری در آنها به شکلی عمل می‌کند که حساسیت نظام بازداری را در این افراد مختل می‌سازد (کامرانی‌فکور و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۹۳). با توجه به این که گری سیستم فعال‌ساز رفتاری را با تکانشگری، هیجان‌طلبی، برون‌گرایی و حساسیت به نشانه‌های پاداش مرتبط می‌داند و با در نظر گرفتن دیدگاه آیزنگ^{۱۲} در خصوص بزهکاری، می‌توان اظهار داشت که، افراد بزهکار به دلیل برخورداری از سطوح پایین برانگیختگی و اضطراب، در درونی کردن ارزش‌های اجتماعی شکست می‌خورند و به علت ضعف در نظام برپایی مغزی و دستگاه فعال‌ساز شبکه‌ای، برخلاف افراد بهنجار، تنبیه را آزار دهنده نمی‌یابند و انواع رفتارهای ضداجتماعی از قبیل بزهکاری‌ها، انحرافات جنسی و قانون‌شکنی را از خود نشان می‌دهند و از سویی، این احتمال وجود دارد که افراد بزهکار در جستجوی تحریک هستند که برانگیختگی را تا سطح بهینه افزایش دهند و یا به دلیل داشتن نظام فعال‌ساز رفتاری قوی‌تر تکانشی رفتار می‌کنند (سیجسما، ونسترا، لیندنبرگ، رون و ورهالست^{۱۳}، ۲۰۱۰). به طور کلی می‌توان گفت افراد بزهکار و ضداجتماعی دارای سطح بالای فعال‌ساز رفتاری و سطح پایین بازداری هستند (بیرامی، عبادی آسیاش و میرلو، ۱۳۹۳).

متغیر دیگر مورد بررسی در این پژوهش عدم تحمل بلا تکلیفی است. تحمل نکردن بلا تکلیفی به معنای یک ویژگی شخصیتی، مجموعه‌ای از عقاید منفی درباره عدم قطعیت است. وجود تردید در مورد آینده غیرقابل تحمل است، وقایع غیرمنتظره منفی هستند و باید از آن‌ها اجتناب کرد. تردید موجب ناتوانی فرد برای عمل کردن می‌شود. عدم تحمل بلا تکلیفی نوعی سوگیری شناختی است که بر چگونگی دریافت، تفسیر و واکنش فرد به یک موقعیت نامطمئن در سطوح هیجانی، شناختی و رفتاری تأثیر می‌گذارد (جونگ میر، بک و رید^{۱۴}، ۲۰۰۹). الگوی تحمل نکردن بلا تکلیفی که به وسیله داگاس، بوهر و لاداسر^{۱۵} (۲۰۰۴)، مطرح شد نشان می‌دهد افراد مضطرب، موقعیت‌های

¹ Carlson

² Morasch & Ann Bell

³ Gray

⁴ McNaughton

⁵ Hahn, Dresler, Ann-Christine, Michael & Plichta

⁶ Reinforcement

⁷ Reward

⁸ Carroll, Hemingway, Bower, Ashman, Houghton & Durkin

⁹ Beck, Smits, Claes, Vandereycken & Bijttebier

¹⁰ Wilson & Barrett

¹¹ Kooijmans, Scheres & Osterlaan

¹² Eysenck

¹³ Sijtsema, Veenstra, Lindenberg, Roon & Verhulst

¹⁴ Jong-Meyer, Beck & Riede

¹⁵ Dugas, Buhr & Ladouceur

نامعین یا مبهم را فشار آور و آشفته‌کننده درک کرده، بنابراین در پاسخ به چنین موقعیت‌هایی، نگرانی مزمن را تجربه می‌کنند. به باور این افراد، نگرانی برای مقابله کارآمد با موقعیت‌های ترس آور و یا جلوگیری از وقوع این حوادث به آنها کمک می‌کند (برکوویک و رومر^۱، ۱۹۹۵؛ دوپی و لاداسر^۲، ۲۰۰۸). تحمل نکردن بلا تکلیفی درباره حوادث منفی به رفتارهایی از جمله نگرانی، وسواس‌های فکری، اجبارها و گوش به‌زنگی، به‌عنوان ساز و کارهای اجتناب یا کنترل، می‌انجامد. همچنین جهت‌گیری منفی نسبت به مشکل به عنوان متغیر بعدی در ارتباط با اختلال اضطراب فراگیر به مجموعه عقاید منفی نسبتاً پایدار در مورد توانایی فرد در برخورد کارآمد با شرایط تنش‌زا است که دو بعد شناخت و هیجان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و منجر به افزایش نگرانی، احساسات منفی، اجتناب و کاهش تلاش برای حل مسأله در فرد می‌شود (کرتز و وودروف-بروندن^۳، ۲۰۱۳). به نظر می‌رسد ابراز هیجان نامناسب و نگرش منفی به شرایط پیش‌آمده به صورت غیرمستقیم بر جهت رابطه یا میزان انعطاف‌پذیری شناختی و تحمل پریشانی مؤثر است (ماسودا، اندرسون، وندل، چو، پریز و ونستن^۴، ۲۰۱۱). چن و لویبونده^۵ (۲۰۱۶)، در پژوهش خود نشان دادند که عدم تحمل بلا تکلیفی عامل آسیب‌پذیری برای اختلالات عاطفی و روان‌شناختی است. می‌توان گفت عدم تحمل بلا تکلیفی منجر به تخریب عملکرد افراد می‌شود (سامرز، ماتنی، ساراگی و کاگل^۶، ۲۰۱۶)، بدین ترتیب افرادی که عدم تحمل بلا تکلیفی بالایی دارند برانگیختگی فیزیولوژیکی (هاک و کررون^۷، ۲۰۰۴)، و اختلالات روانشناختی (گروپ و نیتجک^۸، ۲۰۱۳؛ هانگ و چیونگ^۹، ۲۰۱۵)، بیشتری را تجربه می‌کنند.

با توجه به پژوهش‌های فوق و با توجه به اینکه نوجوانان با بحران‌های متفاوتی در دوره رشد خود مواجه می‌شوند و بزهکاری نوجوانان نیز به عنوان عاملی که موجب آسیب به فرد و جامعه می‌شود این پژوهش با هدف مقایسه ابرازگری هیجان، سیستم‌های بازداری/فعال‌ساز رفتاری (BIS/ BAS) و عدم تحمل بلا تکلیفی در نوجوانان بزهکار و عادی انجام شده است.

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - علی‌مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش شامل نوجوانان مراجعه‌کننده به مراکز گذری کاهش آسیب شهر تهران بودند. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر به صورت هدفمند است و با این روش تعداد ۳۰ نفر از نوجوانان مراجعه‌کننده به مراکز گذری کاهش آسیب انتخاب شدند، همچنین برای نمونه عادی نیز تعداد ۳۰ نفر به صورت هدفمند انتخاب شدند. همچنین می‌توان گفت از نظر شرایط سنی دو گروه نوجوانان بزهکار و عادی هم‌تاسازی شدند و نوجوانان دارای شرایط سنی ۱۴ تا ۱۸ سال به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند میانگین سن شرکت‌کنندگان ۱۶/۵۳، و انحراف معیار سنی آنها ۱/۵۴ بود. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: نوجوانانی که سابقه فرار از منزل، برقراری رابطه جنسی پرخطر، مصرف مواد مخدر و محرک، دزدی و تحت تعقیب بودند و ملاک خروج از پژوهش نیز عدم همکاری با پژوهشگر و عدم تکمیل پرسشنامه‌های پژوهش بود. سپس پرسشنامه ابرازگری هیجانی، مقیاس سیستم‌های فعال‌ساز/بازداری رفتاری و مقیاس تحمل نکردن بلا تکلیفی در اختیار هر دو گروه از نوجوانان عادی و بزهکار قرار گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه ابرازگری هیجانی^{۱۰} (EEQ): کینگ و امونز (۱۹۹۰)، به منظور بررسی اهمیت نقش ابراز هیجان در سلامت، این پرسشنامه را طراحی نمودند. این پرسشنامه شامل ۱۶ گویه است که سه مقیاس ابراز هیجان مثبت، ابراز صمیمیت، و ابراز هیجان منفی را می‌سنجد مواد ۱ تا ۷ مربوط به مقیاس فرعی ابراز هیجان مثبت، مواد ۸ تا ۱۲ مربوط به مقیاس فرعی ابراز صمیمیت، و مواد ۱۳ تا ۱۶ مربوط به مقیاس فرعی ابراز هیجان منفی است. دامنه‌ی پاسخ به صورت طیف لیکرت (کاملاً موافق=۵، کاملاً مخالف=۱)، است و در مورد گویه‌های ۷، ۸ و ۹ نمره‌گذاری به صورت معکوس است (رفیعی‌نیا، ۱۳۸۱). نمره‌ی کل یک فرد از ۱۶ تا ۸۰ متغیر و نمره‌ی بالاتر بیانگر

¹ Borkovec & Roemer

² Dupuy

³ Kertz & Woodruff-Borden

⁴ Masuda, Anderson, Wendell, Chou, Price & Feinstein

⁵ Chen & Lovibond

⁶ Summers, Matheny, Sarawgi & Cogle

⁷ Hock & Krohne

⁸ Grupe & Nitschke

⁹ Hong & Cheung

¹⁰ Emotional Expression Questionnaire

ابرازگری هیجانی بیشتر است. کینگ و امونز (۱۹۹۰؛ به نقل از رفیعی نیا، ۱۳۸۱)، ضریب آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس و مقیاس های فرعی ابراز هیجان مثبت، ابراز صمیمیت و ابراز هیجان منفی به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۴، ۰/۶۳ و ۰/۶۷ به دست آوردند و به منظور بررسی روایی پرسشنامه ابرازگری هیجانی، بین نمره ها در پرسشنامه ابرازگری هیجان و اندازه پرسشنامه چندبعدی و مقیاس عاطفه مثبت برادبورن^۱، همبستگی مثبت یافتند. رفیعی نیا (۱۳۸۱)، اعتبار این مقیاس را با استفاده از روش همسانی درونی بررسی نمود و ضریب آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس و مقیاس های فرعی ذکر شده به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۶۵، ۰/۵۹ و ۰/۶۸ به دست آمد. پایایی آن نیز با استفاده از روش بازآزمایی به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۱ و ۰/۸۰ محاسبه شده است (رفیعی نیا، ۱۳۸۱، به نقل از قنبری نوشری، ۱۳۹۱). آلفای کرونباخ کل پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۸۶ بدست آمده است.

مقیاس سیستم های بازداری / فعال ساز رفتاری^۲ (BIS/ BAS): این مقیاس توسط کارور و وایت^۳ (۱۹۹۴)، به منظور ارزیابی تفاوت های فردی در حساسیت سیستم های بازداری و فعال ساز رفتاری توسعه یافت (بشرپور، ۱۳۹۴). این مقیاس دارای ۲۴ گویه است که فعالیت سیستم بازداری رفتاری (گویه های ۲، ۸، ۱۳، ۱۶، ۱۹، ۲۲ و ۲۴) را به وسیله خرده مقیاس حساسیت به تنبیه و فعالیت سیستم فعال سازی رفتاری را به وسیله سه خرده مقیاس پاسخ دهی به پاداش (گویه های ۴، ۷، ۱۴، ۱۸ و ۲۳)، سابق (گویه های ۳، ۹، ۱۲ و ۲۱) و جستجوی سرگرمی (گویه های ۵، ۱۰، ۱۵ و ۲۰) مورد ارزیابی قرار می دهد. آزمودنی ها به این سوالات در مقیاس لیکرت (کاملاً درست=۴، کاملاً نادرست= ۱) پاسخ می دهند. ثبات درونی بازداری رفتاری ۰/۷۲ و روایی افتراقی آن با اضطراب ۰/۵۵ گزارش شده است (بشرپور، ۱۳۹۴). ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس های بازداری و فعال سازی به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۸۱ گزارش شده است (بشرپور، ۱۳۹۴). همبندی ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس های این مقیاس در دامنه ۰/۶۵ تا ۰/۹۳ گزارش شده است (بشرپور، ۱۳۹۴). ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه در پژوهش مجدی، عطادخت، حضرتی و صبحی قراملکی (۱۳۹۸)، ۰/۷۳ به دست آمد. کارور و وایت (۱۹۹۴)، ثبات درونی زیر مقیاس بازداری رفتار را ۰/۷۴ و ثبات درونی زیر مقیاس فعال ساز رفتاری را ۰/۷۱ گزارش کرده اند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ پرسشنامه برای مقیاس های بازداری رفتار ۰/۷۱ و برای فعال ساز رفتاری ۰/۸۰ بدست آمده است.

مقیاس تحمل نکردن بلا تکلیفی^۴ (IUS): پرسشنامه عدم تحمل بلا تکلیفی توسط فریستون، رهام، لیتارت و داگاس^۵ (۱۹۹۴) برای سنجش میزان تحمل افراد در برابر موقعیت های نامطمئن و حاکی از بلا تکلیفی کاربرد دارد. این مقیاس ۲۷ سوال دارد. عدم تحمل بلا تکلیفی چهار ویژگی را در تمایز افراد مضطرب از افراد سالم مهم می داند: توانایی کم تحمل موقعیت های مبهم، باورهای مثبت درباره نگرانی، اجتناب شناختی و جهت گیری منفی به مشکل. مؤلفه ها و سوالات مربوط به هر مؤلفه به این صورت است که، عامل یک، بلا تکلیفی تلویحات خودارجاعی و رفتار منفی دارد و گویه های ۱، ۲، ۳، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵؛ و عامل دوم: غیرمنصفانه است و همه چیز را تباه می کند و گویه های مربوط به آن شامل، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۶، ۲۷ است. این آزمون دارای یک نسخه کوتاه ۱۲ سؤالی نیز می باشد که آن هم شامل دو عامل است. این مقیاس در طیف لیکرت ۵ گزینه ای (کاملاً درست= ۵، کاملاً نادرست= ۱) نمره گذاری می شود. حداقل، متوسط و حداکثر نمره آزمودنی در هر پرسشنامه در این مقیاس به ترتیب، ۲۷، ۸۱ و ۱۳۵ است. چنانچه نمره محاسبه شده بین ۲۷ تا ۵۴ باشد، میزان عدم تحمل بلا تکلیفی در فرد در حد پایین می باشد. نمره محاسبه شده بین ۵۴ تا ۸۱، میزان عدم تحمل بلا تکلیفی در فرد در حد متوسط می باشد و چنانچه نمره محاسبه شده ۸۱ به بالا باشد، میزان عدم تحمل بلا تکلیفی در فرد در حد بالا است. اعتبار این آزمون را فریستون و همکاران (۱۹۹۴) رضایت بخش گزارش کرده اند. نسخه اولیه به زبان فرانسوی ضریب پایایی بازآزمایی نسبتاً خوبی با فاصله ۴ هفته ۰/۷۸ بدست آورده است (فریستون و همکاران، ۱۹۹۴). بوهر و داگاس^۶ (۲۰۰۶) ضریب بازآزمایی آن در فاصله ۵ هفته ای ۰/۷۴ گزارش کردند. نسخه اولیه زبان فرانسوی همسانی درونی (آلفای کرونباخ= ۰/۹۱) را بدست آورده است. در پژوهش حمیدپور، اندوز و اکبری پایایی بازآزمایی (در فاصله ۳ هفته) برابر ۰/۷۶ برای این مقیاس بدست آمد (به نقل از محمودعلیلو، شاهجویی و هاشمی، ۱۳۸۹). پایایی مقیاس به روش باز آزمایی ۰/۷۹ گزارش شده است (ارفعی، بشارت قرامکی،

¹ Brodburn Positive Affect Scale

² Behavioral / Active Behavior Systems Scale

³ Carver & White

⁴ The scale of intolerance is uncertainty

⁵ Freeston, Rheaume, Letarte, Dugas & Ladouceur

⁶ Buher

مقایسه ابرازگری هیجان، سیستم‌های بازداری/فعال‌ساز رفتاری (BIS/ BAS) و عدم تحمل بلاتکلیفی در نوجوانان بزهکار و عادی
Comparison of emotion expression, inhibitory / behavioral activation systems (BIS / BAS) and intolerance ...

قلی‌زاده و حکمتی، ۱۳۹۰). در پژوهش حمیدپور، اندوز و اکبری ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۸ بدست آمد (حمیدپور، اندوز و اکبری، ۱۳۸۹، به نقل از محمودعلیلو و همکاران، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۹۶ آمده است. بعد از هماهنگی‌های لازم با رعایت ملاحظه اخلاقی و بیان اهداف پژوهش، رضایت نمونه تحقیق برای شرکت در این پژوهش جلب شد. سپس از بین نوجوانان مراجعه کننده به مراکز گذری کاهش آسیب شهر تهران نمونه پژوهش انتخاب، سپس پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار هر دو گروه قرار گرفت. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها داده‌های پژوهش با روش آماری تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) و با استفاده از نرم‌افزار SPSS-24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

دختران نوجوان شرکت کننده در این پژوهش با فراوانی ۲۵ و ۴۱/۷ درصد و پسران شرکت کننده در پژوهش با فراوانی ۳۵ و ۵۸/۳ درصد بودند. از این تعداد در گروه بزهکار تعداد دختران ۱۵ و تعداد پسران نیز ۱۵ نفر بودند. در گروه عادی نیز تعداد دختران نوجوان ۱۰ و تعداد پسران ۲۰ نفر بودند.

جدول شماره ۱: میانگین و انحراف معیار ابرازگری هیجان، بازداری رفتار، فعال‌ساز رفتاری و عدم تحمل بلاتکلیفی در دو گروه نوجوانان

بزهکار و عادی				
متغیر	جنسیت	گروه	میانگین	انحراف معیار
ابرازگری هیجان	زن	بزهکار	۳۶/۷۳۳	۰/۹۳۳
		عادی	۵۷/۳۰۰	۱/۱۴۳
	مرد	بزهکار	۳۴/۸۰۰	۰/۹۳۳
		عادی	۵۶/۲۵۰	۰/۸۰۸
بازداری رفتار (BIS)	زن	بزهکار	۱۶/۶۶۷	۰/۵۴۵
		عادی	۱۹/۷۰۰	۰/۶۶۸
	مرد	بزهکار	۱۵/۸۰۰	۰/۵۴۵
		عادی	۱۸/۷۸۰	۰/۴۷۲
فعال‌ساز رفتاری (BAS)	زن	بزهکار	۵۲/۸۰۰	۱/۱۴۷
		عادی	۵۰/۱۳۳	۰/۹۳۷
	مرد	بزهکار	۵۱/۶۵۰	۰/۸۱۱
		عادی	۵۰/۰۶۷	۰/۹۳۷
عدم تحمل بلاتکلیفی	زن	بزهکار	۱۱۲/۰۰۰	۱/۸۵۶۱
		عادی	۴۳/۵۳۳	۱/۵۱۱
	مرد	بزهکار	۱۱۰/۴۵۰	۱/۳۰۹
		عادی	۴۸/۴۶۷	۱/۵۱۱

جدول ۲: نتیجه آزمون لوین به منظور برابری واریانس‌ها در دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار

متغیر	f	df1	df2	P
ابرازگری هیجان	۱/۶۸۱	۳	۵۶	۰/۱۸۱
بازداری رفتاری (BIS)	۲/۸۲۳	۳	۵۶	۰/۰۵۵
فعال‌ساز رفتاری (BAS)	۰/۴۸۷	۳	۵۶	۰/۶۹۳
عدم تحمل بلاتکلیفی	۱/۶۷۶	۳	۵۶	۰/۱۹۵

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود شرط برابری واریانس‌ها با استفاده از آزمون لوین برای ابرازگری هیجان ($p < 0/181$)، بازداری رفتار ($p < 0/055$)، فعال‌ساز رفتاری ($p < 0/693$) و عدم تحمل بلاتکلیفی ($p < 0/195$) رعایت شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) برای مقایسه ابرازگری هیجان، سیستم‌های بازداری / فعال‌ساز رفتاری و عدم تحمل

گروه	متغیر	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	p	اندازه اثر
جنسیت	ابرازگری هیجان	۳۱/۴۱۳	۱	۳۱/۴۱۳	۲/۴۰۶	۰/۱۲۷	۰/۰۴۱
	بازداری رفتاری (BIS)	۱۱/۶۴۸	۱	۱۱/۶۴۸	۲/۶۱۴	۰/۱۱۲	۰/۰۴۵
	فعال‌ساز رفتاری (BAS)	۵/۲۲۵	۱	۵/۲۲۵	۰/۳۹۷	۰/۵۳۱	۰/۰۰۷
گروه	عدم تحمل بلاتکلیفی	۴۰/۱۰۱	۱	۴۰/۴۰۱	۱/۱۷۹	۰/۲۸۲	۰/۰۲۱
	ابرازگری هیجان	۶۲۳۰/۸۲۵	۱	۶۲۳۰/۸۲۵	۴۷۷/۲۰۸	۰/۰۰۰	۰/۸۹۵
	بازداری رفتاری (BIS)	۱۲۶/۳۵۴	۱	۱۲۶/۳۵۴	۲۸/۳۵۱	۰/۰۰۰	۰/۳۳۶
	فعال‌ساز رفتاری (BAS)	۶۳/۷۵۰	۱	۶۳/۷۵۰	۴/۸۴۵	۰/۰۳۲	۰/۰۸۰
	عدم تحمل بلاتکلیفی	۶۰۰۶۰/۷۱۵	۱	۶۰۰۶۰/۷۱۵	۱۷۵۳/۲۱۷	۰/۰۰۰	۰/۹۶۹
	ابرازگری هیجان	۲/۷۵۴	۱	۲/۷۵۴	۰/۲۱۱	۰/۶۴۸	۰/۰۰۴
گروه*جنسیت	بازداری رفتاری (BIS)	۰/۰۲۵	۱	۰/۰۲۵	۰/۰۰۵	۰/۹۴۱	۰/۰۰۰
	فعال‌ساز رفتاری (BAS)	۴/۱۴۲	۱	۴/۱۴۲	۰/۳۱۵	۰/۵۷۷	۰/۰۰۶
	عدم تحمل بلاتکلیفی	۱۴۸/۳۵۴	۱	۱۴۸/۳۵۴	۴/۳۳۱	۰/۰۴۲	۰/۰۷۲

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود بین دو گروه از نوجوانان بزهکار و عادی در ابرازگری هیجان، بازداری رفتاری، فعال‌ساز رفتاری و عدم تحمل بلاتکلیفی تفاوت معناداری دارد. اثر جنسیت بر ابرازگری هیجان، بازداری رفتاری، فعال‌ساز رفتاری و عدم تحمل بلاتکلیفی معنادار نبوده است. اما اثر تعامل گروه و جنسیت بر عدم تحمل بلاتکلیفی معنادار بوده و بر ابرازگری هیجان، بازداری رفتار و فعال‌ساز رفتاری معنادار نبوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف بررسی مقایسه ابرازگری هیجان، سیستم‌های بازداری / فعال‌ساز رفتاری و عدم تحمل بلاتکلیفی در نوجوانان بزهکار و عادی انجام شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین دو گروه از نوجوانان بزهکار و عادی در ابرازگری هیجان، بازداری رفتاری، فعال‌ساز رفتاری و عدم تحمل بلاتکلیفی تفاوت معناداری وجود دارد. این نتایج در راستای مطالعات حسنی و شاه‌قلیان (۱۳۹۳)، نیومن و همکاران (۲۰۰۵) و ورنر و کروس (۲۰۱۰)، مبنی بر اینکه نوجوانان بزهکار و دارای مشکلات سازگاری سطح ابرازگری پایین‌تری نسبت به افراد عادی دارند. همچنین از نظر تفاوت در سیستم‌های بازداری / فعال‌ساز رفتاری مبنی بر اینکه بازداری رفتاری در افراد بزهکار پایین‌تر از افراد عادی است و فعال‌ساز رفتاری نیز در افراد بزهکار بالاتر از افراد عادی است با پژوهش‌های بک و همکاران (۲۰۰۹)، گری و مکناتن (۲۰۰۰)، ویلسون و همکاران (۱۹۸۹)، کویچمنز و همکاران (۲۰۰۰)، کامران‌فکور و رسول‌زاده طباطبایی (۱۳۹۳)، امیری و موسی‌زاده (۱۳۹۴)، سیجسما و همکاران (۲۰۱۰) و بیرامی و همکاران (۱۳۹۳) همسو است. از نظر تفاوت در عدم تحمل بلاتکلیفی نیز نوجوانان بزهکار سطح پایینی از عدم تحمل بلاتکلیفی را نسبت به افراد عادی نشان دادند این نتیجه با پژوهش‌های داگاس و همکاران (۲۰۰۴)، کرتز و همکاران (۲۰۱۳)، ماسودا و همکاران (۲۰۱۱)، سامرز و همکاران (۲۰۱۶) و هاک و کررون (۲۰۰۴) همسو است.

با توجه به نتایج یافته‌های پژوهش حاضر و مرور نتایج پژوهش‌های مشابه می‌توان نتیجه گرفت که بین ابرازگری هیجان، سیستم‌های بازداری/فعال‌ساز رفتاری و عدم تحمل بلا تکلیفی در نوجوانان بزهکار و عادی تفاوت وجود دارد. هیجان‌ها در رفتار ظاهر می‌شوند و هر لحظه تعامل‌های اجتماعی و روابط میان‌فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. توانایی موفق در نحوه ابراز مناسب هیجان از مؤلفه‌های کنش سازگارانه افراد به حساب می‌آید (گروس و جان^۱، ۱۹۹۷). دشواری در ابرازگری هیجان با سیستم‌های بازداری/فعال‌ساز رفتاری رابطه دارد؛ کاهش بازداری رفتاری و افزایش فعال‌ساز رفتاری به همراه دشواری در ابراز هیجان به شیوه صحیح به تلاش‌های ناسازگارانه برای تنظیم و پاسخدهی هیجانی و در نهایت افزایش خطر بزهکاری منجر می‌شود (کامرانی فکور و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۹۳). رابطه سیستم بازداری/فعال‌ساز رفتاری با دشواری در ابرازگری هیجان می‌تواند ناشی از این باشد که سیستم بازداری رفتاری به عنوان یک صفت زیستی شخصیت، واکنش‌پذیری هیجانی منفی را در افراد افزایش می‌دهد علاوه بر این حساسیت پایین بازداری رفتاری باعث می‌شود که افراد ابرازگری هیجان نامناسبی داشته باشند و در نهایت منجر به افزایش خطر ابتلا به بزهکاری در افراد می‌شود. فعالیت بیش از اندازه سیستم بازداری و فعال‌ساز رفتاری، منجر به صفات شخصیتی اضطرابی، حساسیت بالا به محرک‌های تهدید کننده و رفتارهای مرتبط با اضطراب مثل نگرانی و نشخوار فکری می‌شود. بازداری رفتاری با درجه بالایی از واکنش‌پذیری هیجانی و سبک‌های هیجانی ناکارآمد مرتبط است (لین، فلندر، زولنسکی، فلندر و لجوی^۲، ۲۰۰۴؛ موریس، مرکلیچ، وسل و وندون^۳، ۱۹۹۹). افراد با حساسیت بالای سیستم بازداری/فعال‌ساز رفتاری با احتمال بیشتری دشواری در ابرازگری هیجان در موقعیت‌ها را تجربه می‌کنند. مفهوم کلی بازداری رفتاری با کنترل رفتاری مترادف است و نارسایی در این فرآیند می‌تواند به عدم کنترل رفتاری و رفتارهای غیرارادی منتهی شود، پاسخ دادن بدون ارزیابی مناسب موقعیت، بازداری‌زدایی، پاسخ دادن بدون ملاحظه و توجه به پیامدهای آن، داشتن ناتوانی در به تأخیر انداختن پاداش، یکی از ابعاد مهم تکانش‌گری است که با بزهکاری مرتبط شده است، بعد شناختی آن، یعنی ناتوانی در انجام کنترل بازداری و تمایل به پاسخ سریع بدون فکر کردن یا به طور وسیع‌تر عدم تحمل بلا تکلیفی و ابهام با فعال کردن چرخه اضطراب در افراد زمینه‌ساز بروز بزهکاری است (کارل^۴، ۲۰۱۰). عدم تحمل بلا تکلیفی، با خلق منفی در ارتباط است و این بدان دلیل است که افرادی که دچار عدم تحمل بلا تکلیفی هستند، به صورت منفی به رویدادها و موقعیت‌های مبهم واکنش نشان می‌دهند (داگاس^۵، ۲۰۰۷). بلا تکلیفی همیشه به وسیله فقدان یا ناکارآمدی دانش ایجاد می‌گردد که مربوط به عوامل درونی فرد است که نمی‌تواند آن را کنترل کند به همین دلیل افرادی که دارای سطح بالایی از عدم تحمل هستند به شیوه ناکارآمدی نسبت به موقعیت‌ها پاسخ می‌دهند (ولز، اسکابوتس و اسکامان^۵، ۲۰۰۴). این عدم پختگی هیجانی منجر به بروز مشکلات بسیاری در زمینه آسیب‌های اجتماعی از جمله بزهکاری خواهد شد. با توجه به شناسایی موارد آسیب‌زایی مانند پایین بودن سطح ابرازگری هیجان، تحمل بلا تکلیفی و بازداری رفتاری و افزایش سطح فعال‌ساز رفتاری در نوجوانان بزهکار می‌توان با اجرای برنامه‌های آموزشی و درمانی فردی و گروهی در مدارس برای نوجوانان و آموزش خانواده‌ها تا حد زیادی از شکل‌گیری بزهکاران نوجوان و در آینده بزرگسالانی مجرم جلوگیری کرد.

پژوهش حاضر دارای برخی محدودیت‌ها است که باید هنگام تفسیر و تعمیم‌دهی به گروه‌های دیگر در نظر داشت. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این موارد اشاره نمود: این مطالعه بر روی نوجوانان بزهکار که از خانه فرار کرده‌اند و به مراکز گذری کاهش آسیب مراجعه می‌کنند انجام گرفته و پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های پیش‌رو بر روی سایر گروه‌های آسیب‌پذیر یا آسیب‌دیده دیگر نیز صورت گیرد، همچنین در پژوهش حاضر با استفاده از پرسشنامه داده‌های پژوهش جمع‌آوری شدند و امکان کنترل سایر عوامل مانند تحصیلات، درآمد خانواده و سابقه رفتارهای پرخطر در سایر اعضای خانواده وجود نداشت و پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی از مصاحبه به عنوان شناخت عوامل مؤثر بر بزهکاری استفاده شود و داده‌های پژوهش با استفاده از روش مصاحبه جمع‌آوری شوند. در مجموع، با توجه به یافته‌های به دست آمده و مرور پژوهش‌های گذشته لازم است مطالعات گسترده‌تری در این زمینه صورت گیرد تا بتوان آسیب‌های پیش‌رو را به میزان قابل توجهی کاهش داد.

منابع

- 1 John
- 2 Leen- Feldner, Zvolensky, Feldner & Lejuez
- 3 Muris, Merckelbach, Wessel & Vandeven
- 4 Carroll
- 5 Volz, Schubotz & Cramon

- ارفعی، ا؛ بشارت قراملکی، ره؛ قلی‌زاده، ح؛ حکمتی، ع (۱۳۹۰). عدم تحمل بلاتکلیفی: مقایسه بیماران افسرده اساسی با بیماران وسواسی- اجباری. *مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز*، ۳۳ (۵)، صص ۱۷-۲۲.
- امیری، م؛ موسی‌زاده، ت (۱۳۹۴). مقایسه سیستم‌های مغزی رفتاری در نوجوانان عادی و بزهکار. ۶ (۱)، صص ۱۹-۲۹.
- بشیرپور، س (۱۳۹۴). *صفات شخصیت، نظریه و آزمون*. تهران: نشر ساوالان.
- بیرامی، م؛ عبادی آسایش، م؛ میرلو، م. م (۱۳۹۳). مقایسه سیستم‌های فعال‌سازی/ بازداری رفتاری دختران فراری با دختران غیرفراری. *زن و مطالعات خانواده*، ۷ (۲۶)، صص ۲۳-۴۰.
- حسینی، ج؛ شاه‌قلیان، م (۱۳۹۳). ابرازگری هیجانی، کنترل هیجانی و دوسوگرایی در ابراز هیجان در دختران فراری و بهنجار. *فصلنامه فرهنگ، مشاوره و روان‌درمانی*، ۵ (۱۷).
- رفیعی‌نیا، پ (۱۳۸۱). *رابطه سبک‌های ابراز هیجان با سلامت عمومی در دانشجویان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- شاه‌جویی، ت؛ محمودعلیلو، م؛ بخشی‌پور رودسری، ع؛ فخاری، ع (۱۳۹۰). تحمل نکردن بلاتکلیفی و نگرانی در افراد مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر و اختلال وسواسی اجباری. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۷ (۴)، صص ۳۰۴-۳۱۲.
- شاه‌قلیان، م؛ مرادی، ع. ره؛ کافی، م (۱۳۸۶). رابطه آلکسی‌تیمیا با سبک‌های ابراز هیجان و سلامت عمومی در دانشجویان. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*، ۱۳ (۳)، صص ۲۳۸-۲۴۸.
- قنبری‌نوشری، م (۱۳۹۱). *مقایسه رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های ابراز هیجان در زوجین عادی و زوجین در آستانه طلاق*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. روان‌شناسی عمومی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه گیلان.
- کامرانی فکور، ش؛ رسول‌زاده طباطبایی، ک (۱۳۹۳). مقایسه سیستم‌های مغزی رفتاری دختران فراری و عادی. *فصلنامه اطلاع‌رسانی*، ۸ (۳۲-۳۱).
- کامرانی فکور، ش (۱۳۸۲). بررسی مقایسه‌ای خصوصیات روانشناختی زنان ویژه با زنان عادی. *مجله روانشناسی*، ۷ (۳)، صص ۲۵۳-۲۶۹.
- محمودعلیلو، م؛ شاه‌جویی، ت؛ هاشمی، ز (۱۳۸۹). مقایسه‌ی عدم تحمل بلاتکلیفی، اجتناب شناختی، جهت‌گیری منفی به مشکل و باورهای مثبت در مورد نگرانی بین بیماران مبتلا به اختلال اضطراب تعمیم‌یافته و افراد عادی. *فصلنامه‌ی علمی پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز*، ۵ (۲)، صص ۲۳-۴۲.
- مجدی، ه؛ عطادخت، ا؛ حضرتی، ش؛ صبحی قراملکی، ن (۱۳۹۸). دانشجویان با و بدون نشانگان بالینی اختلال اضطراب اجتماعی. *نشریه علمی روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۷ (۱)، صص ۱۷۴-۱۶۵.
- Beck, I., Smits, D., Claes, L., Vandereycken, W. & Bijttebier, P. (2009). Psychometric evaluation of the behavioral inhibition behavioral activation system scales and the sensitivity to punishment and sensitivity to reward questionnaire in a sample of eating disordered patients. *Personality and Individual Differences*, 47, 407-412.
- Borkovec, T. D., & Roemer, L. (1995). Perceived functions of worry among generalized anxiety disorder subjects: distraction from more emotionally distressing topics?. *Journal of Behavior Therapy Exp Psychiatry*, 26, 25-30.
- Buher, K., & Dugas, M.J. (2006). Inves ga the construct validity pf intolerance uncertainty and its unique rela onship with worry. *Anxiety disord*, 20,222-236.
- Carroll, A., Hemingway, F., Bower, J., Ashman, A., Houghton, S., Durkin, K. (2006). Impulsivity in Juvenile Delinquency: Differences Among Early-Onset, Late-Onset, and Non-Offenders. *Journal of Youth and Adolescence*, 35, 519-529.
- Carlson S. M. (2005). Developmentally sensitivemeasures of executive function in preschoolchildren. *Journal of Developmental Neuropsychology*, 28,595-616.
- Chen, J. T., & Lovibond, P. F. (2016). Intolerance of Uncertainty Is Associated With Increased Threat Appraisal and Negative Affect under Ambiguity but Not Uncertainty. *Behavior Therapy*, 47, 42-53.
- Dugas, M.J., Buhr, K., & Ladouceur, R. (2004). *The Role of Intolerance of Uncertainty in Etiology and Maintenance*, In: R.G. Heimberg, C.L. Turk, & D.S. Mennin (Eds.), *Generalized Anxiety Disorder: Advances in Research and Practice* (pp. 143-163). New York: Guilford.
- Dugas, M.J., & Robichaud, M. (2007). *Cognitive-behavioral Treatment for Generalized Anxiety Disorder from Science to Practice*. New York: Rutledge.
- Dupuy, J. B., & Ladouceur, R. (2008). Cognitive processes of generalized anxiety disorder in co-morbid generalized anxiety disorder and major depressive disorder. *Journal of Anxiety Disorders*, 22, 505-514.
- Freeston, M.H, Rheaume, J., Letarte, H., Dugas, M.J., & Ladouceur, R. (1994). Why do people worry? *Pers Indiv Di er*, 17:791-802.
- Gross, J.J. & John, O.P. (1997). Revealing feelings: Facets of emotional expressivity in self reports, peer ratings and behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72(2), 435-448.
- Grupe, D. W., & Nitschke, J. B. (2013). Uncertainty and anticipation in anxiety: an integrated neurobiological and psychological perspective. *Nature Reviews Neuroscience*, 14(7), 488.
- Gray, J.A.(2009). *Gray's impulsivity*. *NeuroImage*, 46(3), 1148-1153.
- Gray, J.A., & McNaughton, N. (2000). *The neuropsychology of anxiety: An enquiry into the functions of theseptohippocampal system*. New York: Oxford University,53-98.

- Hahn, T. A. , Dresler, T. A. , Ann-Christine, E. A. , Michael, M. , Plichta, A. , Sebastian, H. A. , Polak T. A. , Lesch, F. A. , Breuer, F. B. , Jakob, B. C. & Fallgatter, A. J. (2009). Neural response to reward anticipation is modulated by Gray's impulsivity. *NeuroImage*, 46(3): 1148–1153.
- Hong, R. Y., & Cheung, M. W.-L. (2015). The structure of cognitive vulnerabilities to depression and anxiety: Evidence for a common core etiologic process based on a meta-analytic review. *Clinical Psychological Science*, 3(6), 892-912.
- Hock, M., & Krohne, H. W. (2004). Coping with threat and memory for ambiguous information: testing the repressive discontinuity hypothesis. *Emotion*, 4(1), 65.
- Jong-Meyer, R. D., Beck, B., & Riede, K. (2009). Relationships between rumination, worry, intolerance of uncertainty and meta-cognitive beliefs. *Personality and Individual Differences*, 46, 547-551.
- Kertz, S., & Woodruff-Borden, J. (2013). The role of metacognition, intolerance of uncertainty, and negative problem orientation in children's worry. *Behavioural and cognitive psychotherapy*. 41(2),243-8.
- King, L.A., & Emmons, R.A. (1990). Conflict over emotional expression: Psychological and physical Correlates. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58 (5), 864-877.
- Kring, A.M., & Gordon, A. H. (1998). Sex differences in emotion expression, experience and physiology. *Journal Pers Soc Psychol*, 14, 680-703.
- Kun, B., Balazs, H., Kapitany, M., Urban, R., & Demetrovics, Z. (2010). Confirmation of the three-factor model of the Assessing Emotions Scale (AES): Verification of the theoretical starting point. *Behav Res Meth*, 42, 596-606.
- Kooijmans, R., Scheres, A., & Oosterlaan, J. (2000). Response inhibition and measures of psychopathology: A dimensional analysis. *Child Neuropsychology*, 6, 175-184.
- Leen- Feldner, E.W., Zvolensky, M.J, Feldner ,M.T., & Lejuez, C.W. (2004). Behavioral Inhibition: relation to negative emotion disorders. *J Clin Child Adoles Psychol*, 33, 750-59.
- Luna, B., Padmanabhan, A., & O’Hearn, K. (2010). What has fMRI told us about the Development of Cognitive Control through Adolescence? *Journal of Brainand Cognition*, 72, 101–113.
- Luna, B., & Sweeney, J. A. (2004). The emergence of collaborative brain function: fMRI studies of the development of response inhibition. *Journal of Annals of the New York. Academy of Sciences*, 1021, 296–309.
- Masuda, A., Anderson, P.L, Wendell ,J.W, Chou ,Y-Y, Price, M., & Feinstein, A.B. (2011). Psychological flexibility mediates the relations between self-concealment and negative psychological outcomes. *Personality and Individual Differences*, 50(2),243-7.
- Monterosso, J.R., Aron, A.R., Cordova, X., Xu, J.S., & London, E.D. (2005). Deficits in response inhibition associated with chronic methamphetamine abuse. *Journal of Drug and Alcohol Dependence*, 79, 273–277.
- Morasch, K.C., & Ann Bell, M. (2009). Patterns of brain-electrical activity during declarative memory performance in 10-month-old infants. *Brain and Cognition*.
- Muris, P., Merckelbach, H., Wessel, I., & Vandeven, M. (1999). Psychopathological correlates of self-reported behavioural inhibition in normal children. *Behav Res Ther*, 37, 575-84.
- Newman, J.P. , MacCoon, DG., Vaughn, LJ., & Sadeh, N. (2005). Validating a distinction between primary and secondary psychopathy with measures of Penades R, Catalan R, Rubia K, Andres S, Salamero M, Gasto C. Impaired response inhibition in obsessive compulsive disorder. *Journal of European Psychiatry*. 2007. 22, 404–410.
- Sijtsema, J., Veenstra, R., Lindenberg, S., Roon, A., & Verhulst, F et al. (2010). Mediation of sensation seeking and behavioral inhibition on the relationship between heart rate and antisocial behavior: the TRAILS study. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 49(5),493–502.
- Sweeney, J. A., Takarae. Y., Macmillan, C., Luna, B., & Minshew, N. J. (2004). Eye movements in neurodevelopmental disorders. *Journal of Current Opinion in Neurology*, 17, 37–42.
- Summers, B. J., Matheny, N. L., Sarawgi, S., & Cogle, J. R. (2016). Intolerance of uncertainty in body dysmorphic disorder. *Body Image*, 16, 45-53.
- Van den Wildenberg, W.P.M., van der Molen, M.W. (2004). Developmental trends in simple and selective inhibition of compatible and incompatible responses. *Journal of Experimental Psychology*, 133, 101–113.
- Nigg, J.T. (2001). Is ADHD a disinhibitory disorder? *Journal of Psychological Bulletin*, 127, 571–598.
- Volz, K.G., Schubotz, R.I., & Cramon, Y.V. (2004). *Why am I unsure? Internal and external attributions of uncertainty dissociated by fMRI*. *NeuroImage* , 21, 848- 57.
- Wallace, J.F., & Newman, J.P. (2006). *The reinforcement sensitivity theory of personality*, 398 - 414.
- Walker, J.L., Lahey, B.B., Russo, M.F. & Frick, P.J et al. (1991). Anxiety, inhibition, and conduct disorder in children: Relations to social impairment. *Journal of American Academy of Child Adolescent Psychiatry*, 30, 187-191.
- Werner, K., Gross, J.J. (2010). *Emotion regulation and psychopathology: A conceptual framework*.
- Wilson, G.D., Barrett, P.T., & Gray, J.A. (1989). Human relations to reward and punishment: A questionnaire examination of Gray's personality theory. *British Journal of Psychology*, 8, 509-515.